هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهاد کردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

سرمقاله

انتخابات پارلمانی بیم ها و امیدها

ص۲

که پر یوه سترگه روند شوي پر بله لاس کيږده!

۳ مخ

آری باید معذرت خواهی کنند!

ص۲

دور ششم سال چهارم شمارهٔ ۱۴ چهارشنبه ۸ سرطان ۱۳۸۴ ۲۲ جمادی الأول ۱۴۲۶ - 29 June 2005

سیمینار بررسی نقش رسانه ها در برگزاری انتخابات پارلمانی

واقف حکیمی

دیروز همایشی زیر عنوان "سیمینار سراسری خبرنگاران و رسانه های همگانی به پیشواز انتخابات پارلمانی" از سوی وزارت اطلاعات و فرهنگ و توریزم در هتل انترکاتنینتال در شهر کابل برگزار شد و امروز و فردا در هتل ستاره واقع شهر نو دوام خواهد کرد.

در برگزاری این همایش افزون بر وزارت اطلاعات و فرهنگ و توریزم، انترنیوز وآژانس خبر رسانی پژواک، نمایندهٔ یونسکو و نمایندگی دفتر معاونت ملل متحد در کابل و دفتر مشترک تنظیم انتخابات و رادیو تلویزیون ملی و تلویزیون طلوع و رادیوی بی بی سی و روزنامهٔ چراغ و صبح به خیر افغانستان و روزنامهٔ انیس و روزنامهٔ اراده و مرکز زنان ژورنالیست شرکت داشتند.

این سیمینار چنان که از نامش پیداست نقش مطبوعات و رسانه ها را در انتخابات پارلمانی آینده مورد مطالعه قرار می دهد.

دیروز این سیمینار جلسات خود را در دو نوبت پیش از ظهر و بعد از ظهر ادامه داد. جلسهٔ پیش از ظهر بیشتر به سخنرانی های تشریفاتی معمول اختصاص یافت. جاوید لودین سخنگوی ریاست جمهوری پیام رئیس جمهور حامد کرزی را به این مناسبت خواند که در آن تأکید شده بود تا ژورنالیستان و رسانه های همگانی نقش روشنگرانه و بی طرف شان را در انتخابات پارلمانی چنان که در انتخابات ریاست جمهوری انجام دادند ایفا کنند. پس از آن وزیر اطلاعات و فرهنگ و توریزم سید مخدوم رهین سخنرانی کرد. او به تحولات ژرف در عرصهٔ مطبوعات و



آزادی بیان در بیشتر از سه سال اخیر اشارت کرد و تدوین و توشیح قانون مطبوعات را یکی از دستاوردهای مهم دولت و به ویژه وزارت اطلاعات و فرهنگ در این زمینه خواند و گفت: "امروز آزادی بیان در مسیر نهادینه شدن قرار دارد" او برخی از فعالیت های وزارت اطلاعات و فرهنگ را در زمینهٔ توسعهٔ مطبوعات و آزادی بیان برجسته کرد و به برخی از کاستی ها و چالش های آن اشارت نمود و گفت: "سانسور در مطبوعات را سخنرانان بررسی کنند و عوامل آن را مورد غور قرار بدهند".

وزیر اطلاعات و فرهنگ دربارهٔ نقش رسانه ها در انتخابات پارلمانی گفت: "رسانه های تصویری همان گونه که در انتخابات گذشته کار کردند امروز هم در انتخابات پارلمانی باید با جدیت کارکنند." ص۶

مشرف و کرزی باهم گفتگو کردند

پس از آن که جورج بش رئیس جمهور ایالات متحدهٔ امریکا با پرویز مشرف رئیس جمهوری پاکستان گفتگوی تلفنی کرد و در مورد رفع تنش میان افغانستان و پاکستان سخن گفت، پرویز مشرف به تاریخ اول سرطان سال جاری با آقای حامد کرزی رئیس جمهوری اسلامی افغانستان تماس تلفنی برقرار نمود و مدت یک ساعت رؤسای جمهور هر دو کشور در مورد روابط میان این دو کشور و تأمین امنیت انتخابات پارلمانی صحبت کردند.

در این صحبت تلفنی پرویز مشرف مانند گذشته از تداوم همکاری کشورش در مبارزه با تروریزم اطمینان داد.

صحبت تلفنی بش و مشرف پس از آن انجام یافت که تنش میان افغانستان و پاکستان بالا گرفت. افغانستان با داشتن مدارک و شواهد پاکستان را متهم دانسته است که افراد القاعده و طالب با عبور از مرز آن کشور، داخل خاک افغانستان می شوند و فعالیت های تخریبی و آشوب گرانه را انجام می دهند.

وزارت اطلاعات پاکستان در حالی که نمی تواند از دست داشتن اتباع آن کشور در فعالیت های آشوبگرانه انکار نماید اعمال اتباع آن کشور را چنین توجیه می کند: کشور پاکستان نمی تواند مسؤول اعمال پاکستانی هایی باشد که در عملیات غیر قانونی! مشارکت دارند. ص۶

آقای محقق رهبر حزب وحدت اسلامی:

پاکستان نباید به خاطر آرامش خودش به خانهٔ دیگران آتش بیفروزد

به وخامت گراییدن وضع امنیتی افغانستان و دستگیری شماری از شهروندان پاکستان به اتهام دست داشتن در انفجارهای اخیر در افغانستان مواردی است که سبب تیرگی روابط میان افغانستان و پاکستان گردیده است.

مسؤولان دولت افغانستان گفته اند که پاکستان به طور پنهانی گروه هایی را بر ضد دولت افغانستان تربیه و حمایت می نماید. اما دولت پاکستان این ادعا را نپذیرفته و آن را بی اساس خوانده است.

این موضوع احساسات عده یی از رهبران سیاسی افغانستان را بر انگیخته است.

حاجی محمد محقق رهبر حزب وحدت اسلامی به روز شنبه چهار سرطان طی یک کنفرانس مطبوعاتی از دخالت دولت پاکستان درامور افغانستان انتقاد کرد و گفت:

من و اعضای حزبم گرچه با نحوهٔ عملکرد دولت در قبال برخی مسائل مخالفت داریم اما در پیرامون دخالت کشور پاکستان در افغانستان طرفدار دولت هستیم و حامی آقای کرزی می باشیم.

رستم

تبدیلی های جدید والیان
اصلاحات یا آشفتگی های تازه؟

به تاریخ ۴ سرطان، ریاست جمهوری پس از مباحثات جنجال بر انگیز تغییراتی را در رهبری ولایات اعلام داشت

بر اساس مقرری ها و تبدیلی هایی که صورت گرفت سترژنرال سید حسین انوری به حیث والی هرات و حاجی دین محمد به حیث والی کابل، ستر جنرال گل آغا شیرزوی به حیث والی ننگرهار و اسدالله خالد به حیث والی کندهار تعیین گردیدند.

آقای کرزی در فرمان مقرری والیان متذکره هدف این تغییرات را بهبود وضع و تأمین امنیت و اصلاحات اجرای لازم خوانده است.

آقای کرزی یک روز قبل از اعلام این خبر در نشستی با نمایندگان مردم ولایت بلخ گفته بود که او در نظر دارد، به منظور حاکمیت قانون و تحکیم نظام مردمی در کشور اصلاحات اداری را در سطح واحدهای اداری تطبیق نماید.

تحلیل گران اوضاع افغانستان و مردم عکس العمل های متفاوت و نظریات گونه گون از خود ابراز داشته اند. جاوید لودین سخنگوی ریاست جمهوری این تغییرات را یک تجربهٔ خوب و مفید خوانده است.

اما تعدادی به این باورند در شرایطی که موج تازه یی از آشوب گری و فساد در سراسر کشور بیداد می کند مقرری افرادی که در گذشته در پست های شان نه تنها موفقیتی نداشتند بلکه بیشتر به علت عدم توانایی در کار مورد انتقاد مقامات دولت قرار گرفته اند در ثبات اوضاع و تأمین امنیت تأثیر به جا و مفید نخواهد داشت.

این مقرری ها و تبدیلی ها در حالی عملی می گردد که اخباری در مورد استعفای آقای جلالی وزیر داخلهٔ کشور پخش گردیده است. تلویزیون طلوع شام دو شنبه ۶ سرطان اعلام داشت که استعفای وزیر داخله از جانب رئیس دولت مورد تأیید قرار گرفته است.

طلوع همچنان خبر دادکه جانشین آقای جلالی، اسماعیل خان وزیر انرژی و آب خواهد بود. اما دولت در این زمینه تا هنوز موقف خود را اعلام ص۵



وداع با خلیلزاد

ابوبکر سبزوار

در چند هفتهٔ اخیر که زلمی خلیلزاد سفیر و نمایندهٔ ویژهٔ رئیس جمهور بش آخرین ماموریت خویش را در افغانستان سپری نمود اوقات پر مشغله یی داشت. بخشی از این مشغولیت ها شرکت در مراسمی بود که به بهانهٔ خدا حافظی از طرف مراجع مختلف ترتیب داده شد؛ کاری که در مورد یک سفیر در افغانستان تا کنون معمول نبوده است.

خلیلزاد را گاهی با پل بریمر حاکم نظامی پیشین امریکا در عراق مقایسه کرده اند هرچند که خلیلزاد شیوهٔ کار بریمر در عراق را نمی پسندید و از همان آغازطرفدار سلطهٔ غیر مستقیم که به وسیلهٔ عراقی های جانبدار امریکا بر آن کشور اعمال گردد، بود.

خلیلزاد یک امریکایی افغانی الاصل است، او نه تنها در دوران جهاد یعنی از سال ۱۳۷۹ که کمونیست ها در افغانستان کودتا کردند در این رابطه فعال بود بلکه قبل از آن نیز به عنوان یک افغان علاقمند به کشور خویش در امریکا فعالیت هایی انجام داد. وی از جملهٔ اعضای گروهی بود ص۵

آدرس

مجاهد

در اینترنت

Website:

www.mujahid1357.com

E-mail:

Mujahid1357@Yahoo.com

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس : کابل- چهار راهی پروان دوم جادهٔ بادام باغ
صندوق پستی : ۲۲۶
شماره های تلفن:
تلفن: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹ - ۲۲۰۲۲۱۴ - ۰۲۰
E-mail: mujahidweekly@yahoo.com

سرمقاله

انتخابات پارلمانی بیم ها و امیدها

برگزاری انتخابات پارلمانی آینده بی تردید هم برای مردم و حکومت افغانستان بسیار اهمیت دارد و هم برای جامعهٔ جهانی. مردم برای نخستین بار است در تاریخ افغانستان یک چنین پدیده یی را تجربه می کنند و از این راه مشارکت خود را در قدرت سیاسی ثابت می سازند.

حکومت نیز نیازمند است برای ادامهٔ حیات خویش مشروعیت کسب کند و این مشروعیت برپایهٔ قانون اساسی کشور در عدم حضور پارلمان به دست نمی آید. حکومت تنها با برگزاری انتخابات پارلمانی و تشکیل پارلمان است که می تواند به تناقضات درونی خود پایان بخشد و خود را از تضاد تبعات دوران گذار و انتقال و مستلزمات دورهٔ ثبات و استقرار رهایی دهد.

جامعهٔ جهانی نیز برای تحسین سیمای خود و توجیه حضورش در افغانستان به برگزاری انتخابات پارلمانی نیازمند است؛ چون یکی از دلائل بسیار مهم حضور جامعهٔ جهانی در افغانستان کمک کردن به این کشور در راه ثبات و استقرار سیاسی است که آن بدون تحکیم دموکراسی و تشکیل پارلمان میسر نیست.

ولی این خواسته ها و نیازمندی ها به میزان صادقانه و عادلانه برگزار شدن این انتخابات بستگی دارد، هر قدر در برگزاری این انتخابات از سوی این جهت های اثر گذار با صداقت و شفافیت بیشتر عمل شود به همان پیمانه امید رسیدن به هدف های آن افزونی می یابد.

تا هنوز از سوی دفتر مشترک تنظیم انتخابات و کمیسیون مستقل برگزاری انتخابات پارلمانی راهکارهایی جهت برگزاری عادلانه و منصفانهٔ این انتخابات طرح و تصویب شده است. چگونگی زمان بندی مراحل تثبیت کاندیداها و تعیین زمان مبارزات انتخاباتی و چگونگی بهره برداری از ابزارهای آگاهی همگانی، این ها و غیر این ها همه کارهایی است که ظاهراً برای انتخابات انجام یافته است و می یابد.

دولت و دفتر مشترک تنظیم انتخابات و یوناما و کمیسیون مستقل برگزاری انتخابات همه وقتی می توانند اعتماد مردم را به دست آورند که واقعاً خود را از همه شوائب و شبهات طرفداری به دور نگه دارند و از تصرف و دخالت در امور انتخابات به سود جهاتی ویژه اجتناب ورزند، و خدای نخواسته تجربهٔ مدیریت و نظارت بر کار لویه جرگهٔ تصویب قانون اساسی را تکرار نکنند. و از تکرار اعتراضات انتخابات ریاست جمهوری در امان باشند اگر کار برگزاری انتخابات پارلمانی چنان که در قانون اساسی و قانون انتخابات پیش بینی شده است با شفافیت انجام نپذیرد، نه تنها پارلمان آینده نمی تواند گرهی از مشکل های کشور بگشاید که خود مایهٔ مشکل ها و بحران های تازه خواهد شد.

به همین تازگی ها گفته می شود از سوی جهاتی فهرست نامزدانی ویژه جهت تقویب و یاری رسانیدن به گونهٔ غیر مشروع به برخی از نهادهای مسؤول سفارش شده است.

ما آرزومند هستیم چنین کارهایی حقیقت نداشته باشد و نهادهای برگزار کنندهٔ انتخابات و نهادهای نظارت کننده بر کار آن کمال نزاهت وبی طرفی خود را حفظ کنند و هرچه در توان دارند در جهت عادلانه و بی طرفانه و منصفانه برگزار کردن این انتخابات دریغ نورزند.

یکی از موارد بسیار مهم تأمین شفافیت در برگزاری انتخابات شمارش آراء در هر یک از محل های رأی دهی است که صندوق های رأی در محضر نمایندگان کاندیداها در همان محل باز و شمارش شود تا هیچ گونه شک و تردیدی دربارهٔ تغییر و تبدیل و دست برد در آرای مردم مجال طرح شدن نیابد.

با چنین تدابیری می شود بیم های مردم را رفع کرد و امیدهای آنان را به آمدن پارلمان مردمی تقویت بخشید و راه را برای مشارکت واقعی آنان در قدرت و آوردن دموکراسی راستین هموار نمود.

آری باید معذرت خواهی کنند!

محمد نسیم فقیری

در یکی از همایش های به اصطلاح احزاب سیاسی، رهبر یکی از گروهک هایی که خود را ملی و دموکرات می نامند و در واقع از بقایای حزب دموکراتیک خلق و در یک جمله از "دموکراتیک" های "دموکرات" شده می باشند، ضمن نثار دشنام و بستن اتهام به رهبران جهادی، یک پیشنهاد انقلابی نیز داشت و آن معذرت خواهی رهبران جهادی از مردم افغانستان به خاطر ارتکاب جنایات ضد بشری بود!

گرچه رسم بر این است که سران کشورها و فرماندهان قطعات اردو، به خصوص در خارج از قلمرو سرزمین های شان، به خاطر ارتکاب جرم و جنایت توسط افراد تحت فرمان خویش از مردم و یا خانواده های قربانیان عذر خواهی می نمایند ولی جهاد و جنگ در کشور ما دارای خصوصیات و ویژگی هایی است که هرگز نمی توان آن را با کشورها، نظام ها و اردو های دیگر مقایسه نمود زیرا جهاد و جنگ به صورت غیر منظم و بدون تشکیلات اساسی و اصل فرماندهی و فرمانبری جریان داشت و تا کنون هیچ سند و مدرکی ارائه نگردیده است که جرایم جنگی و نقض حقوق بشری توسط سازمان های جهادی، به فرمان، هدایت، اشاره و یا موافقت رهبران جهادی صورت گرفته باشد. با این همه هرگاه رهبران جهادی به خطاها، اشتباه ها و تخطی های خویش ویا افراد منسوب به خود در طی سال های جهاد، اعتراف نمایند و از مردم پوزش بطلبند، یک امر نیکو و پسندیده وباعث افزایش عزت و اعتبار آنان می گردد چون به باور ما هیچ کسی چز انبیاء از لغزش و ارتکاب گناه و اشتباه خالی نیست. ولی طرح و پیشنهاد این موضوع توسط یکی از سران گروهک سابقاً دموکراتیک و جدیداً دموکرات، انگیزه و هدف دیگری دارد و می خواهند تا رهبران جهادی از مردم عذر خواهی نمایند زیرا:

– رهبران جهادی علیه حزب دموکراتیک خلق (پیشآهنگ طبقهٔ کارگر و همه زحمتکشان افغانستان) به پا خاستند و مردم ساده لوح را علیه دولت خلقی و انقلابی بسیج نمودند و

هرگاه رهبران جهادی به خطاها، اشتباه ها و تخطی های خویش ویا افراد منسوب به خود در طی سال های جهاد، اعتراف نمایند و از مردم پوزش بطلبند، یک امر نیکو و پسندیده وباعث افزایش عزت و اعتبار آنان می گردد چون به باور هیچ کسی چز انبیاء از لغزش و ارتکاب گناه و اشتباه خالی نیست. ولی طرح و پیشنهاد این موضوع توسط یکی از سران گروهک سابقاً دموکراتیک و جدیداً دموکرات، انگیزه و هدف دیگری دارد

مانع تطبیق برنامه های مترقی ان گردیدند.

– در آغوش ارتجاع منطقه و امپریالیسم جهانخوار جا گرفتند و بدین وسیله از نفوذ و پیشروی اندیشه های مترقی، نوین و دوران آیدیولوژی ساز طبقهٔ کارگر جلوگیری نمودند!

– در مقابل قطعات محدود اردوی قهرمان سرخ که به خاطر کمک به مردم افغانستان و دفع و طرد تجاوز خارجی که عمدتاً از خاک پاکستان و ایران صورت می گرفت و امپریالیسم سیاه امریکا و روزیونیزم عظمت طلب چین و ارتجاع منطقه و عربستان و مصر از آن حمایت می نمودند، و این افسران و سربازان سرافراز که فقط به وظایف انترناسیونالیستی شان عمل می نمودند و در کنار خلق های زحمتکش افغانستان در برابر تجاوز خارجی مشغول کار و پیکار بودند؛ به مبارزه و ستیز پرداختند و آنان را وادار به عقب نشینی نمودند!

– از همان نخستین صبحگاه میمون انقلاب شکوهمند و ظفر آفرین ثور در برابر این انقلاب طراز نوین طبقهٔ کارگر قرار گرفتند و اصل برگشت نا پذیری آن را به چالش طلبیدند و سعی نمودند تا بر خلاف جبر تاریخ و اصول تغییر نا پذیر ماتریالیسم دیالیکتیک و تاریخی ادامهٔ تاریخ را به عقب برگردانند و دوران ارتجاع سیاه قرون وسطایی را در کشور تکرار نمایند.

– غرور وهیبت و جبروت اتحاد جماهیر اشتراکیهٔ شوروی این ستاد بین المللی کارگران و زحمتکشان جهان و افسانهٔ شکست نا پذیری اردوی سرخ کشور بزرگ لنین کبیر را درهم شکستند و پوز این غول سیطره طلب و جهانخوار را برخاک مذلت مالیدند.

– با جهاد و فداکاری های خویش جلو پیوستن کشور آزادهٔ ما را به جرگهٔ کشور های مترقی سیوسیالیستی و اردوگاه نیرومند کارگران جهان گرفتند و مملکت ما را از سعادت و افتخار تاریخی قرار گرفتن در حلقهٔ اقمار شوروی بزرگ، محروم ساختند.

بلی! باید معذرت خواهی نمایند!

د نشه يي توکيو سره مبارزه اغيزمنه ستراتيژۍ غواړي

نيکمل

د سرطان د مياشتي پنځمه چي د جون له 26 نمي سره برابرېږي په ټوله نړۍ کي د نشه يي توکيو پر خلاف د مبارزي د نړيوالي ورځي په نامه نومول شوي ده.

په دي ورځ د نړۍ ټول هيوادونه په دي مناسبت غونډي جوړوي، د نشه يي توکيو په زيانونو دهغو د توليد او قاچاق سره د مبارزي پر موضوعاتو خبري کوي او د بندولو لاري چاري يي پيشنهاد کوي.

زموږ په هيواد کي د دي ورځي يادونه ډيره ضروري ده او دا ځکه چي زموږ په هيواد کي د کوکنارو کښت او دهغو د مرکباتو توليد او قاچاق ټولي نړۍ ته اندېښني پيدا کړي او بله دا خبره ده چي ددغه ناروا بوټي د کرني دنيوي او اخروي زيان زموږ کروند ګرو ته متوجي دي خو بد نامي ئي زموږ هيواد او ګټه ئي قاچاقبرانو او په نهايت کي تروريستانو ته رسيږي.

موږ وينو چي اپين او هغه مرکبات چي د دغه وژونکي بوټي نه لاس ته راځي په ټولي نړۍ کي د ميليونونو انسانانو ژوند له تباهۍ سره مخامخ کړي دي. هغه څوک چي په نشه ئي توکيو روږدي دي د کورنيو او بالآخره د جامعي د اوږو پېټي ګرځي او کرار کرار د مرګ کومي ته لوېږي.

دا د ډيري خواشيني ځاي دي چه زموږ د هيواد يو زيات شمير ځوانان هم په دغو نشه ئي توکيو باندي روږدي شوي چي دا کار دهغو د کورنيو او پخپله د معتادو کسانو د ژوند د بربادي لامل شوي دي، د کوکنارو توليد او کرنه هغه ستر مصيبت دي چي ضرر ئي نه يواځي د بهرنۍ نړۍ ځوانانوته رسيږي بلکه نن ئي زموږ ټولنه هم تر اغيزي لاندي نيولي ده.

د هغو رپوټونو له مخي چي په دي ورځو کي د مخدره موادو سره د مبارزي د وزارت له خوا خپاره شوي څرګنديږي چي نن څه نا څه نيم ميليون انسانان زموږ په هيواد کي د مخدره موادو له ستر خطر سره مخامخ دي او دا زياتره هغه کسان دي چي د پاکستان او ايران له هيوادو څخه بيرته خپل اصلي ټاټوبي افغانستان ته راغلي دي او د بد مرغي خبره داده چي د دغه راز معتادينو د درملني لپاره هم داسي روغتونونه نشته چي ټول امکانات ولري او زموږ دغه هيواد وال په کي تر درملني لاندي ونيول شي.

د آزادي راډيو سره د مخدره موادو د وزارت د نشه ئي توکيو د تقاضا د کموالي د اداري يو مسئول محمد ظفر په دي ارتباط په خپلو خبروکي ويلي دي په روږدي کسانو کي زيات شمير ځوانان دي او دغه اندازه بيا پخپله په پلازمينه کابل کي ډيره زياته ده چي شميرني څه نا څه 63 زرو تنوته رسيږي، د دغي منبع له خولي کله چي زموږ افغانان ايران او پاکستان ته مهاجر شول نو په هغو هيوادو کي ئي د خپلو اعصابو د تسکين لپاره دغه راز نشه ئي توکيو او داروګانو ته مخه وکړه او دغه شوم ميراث ئي له ځان سره خپل هيواد ته راوړ چي اوس بايد زموږ د دولت اړوندي مراجع په تيره بيا د عامي روغتيا وزارت ددغه راز ناروغانو د درملني لپاره له خپلو ټولو امکاناتو او په څنګ کي ئي د خينو خيريه موسسو د مرستو او همکاريو په جلبولو سره لازم امکانات برابر کړي او زموږ دغه بي وزلي او خوربدلي معتاد هيواد وال له وژونکي او تباه کوونکي رنځ څخه وژغوري.

۵ مخ

پرسشی در باب جنایت دولتی

برگردان: محمد شعیب صیقلی
نویسنده: پنی گرین استاد قانون در دانشگاه ویست مینیستر

این نوشته مقالتی است از چندین مقاله دربارهٔ حادثهٔ یازدهم سپتامبر که توسط سل سکراتون در کتابی گرد آوری شده و به نام "ماوراء ۱۱ من سپتمبر" به عربی ترجمه شده و منتشر گردیده است. آنچه در این مقالت آمده است لزوماً به معنای موافقت مترجم و مجاهد با آن نیست.

آیا ایالات متحدهٔ امریکا و بریتانیای کبیر محکوم به ارتکاب جنایت در افغانستان هستند؟ حمله بر افغانستان جنایت دولتی می تواند باشد؟ در واکنش به حملات تروریستی که بر ضد ایالات متحدهٔ امریکا در یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ به راه انداخته شد نیرومند ترین دولت دنیا برای درهم کوبیدن نادارترین کشورجهان به پا خاست. ایالات متحده و بریتانیا برای درهم کوبیدن کشوری فراموش شده به پا خواستند که مردمش جز محکومیت در زیر سیطرهٔ رژیم وحشی و تاریک اندیش طالبان هیچ گناهی نداشتند.

غرب به این باور است که جنگ بر ضد تروریسم در واقع کوشش برای نابودی سازمانی است که برای تروریسم بین المللی زمینهٔ فعالیت را آماده ساخته و همچنان این جنگ به منظور دستگیری اسامه بن لادن ــ سعودی تبار ـ و سپردن آن به محکمه و اجرای عدالت در مورد او که متهم به حمله علیه مرکز تجارت جهانی و پنتاگون می باشد ناگزیر است و افغانستان محل اجرای این پروسهٔ انتقام جویانه است، چه فرمان روایان این خاک -شبه دولت طالبان- شبکهٔ تروریستی القاعدهٔ اسامه بن لادن را در کشور خود جای داده اند. با این تفاوت که پناه دادن به تروریستان در گذشته هیچ گاهی سبب حملهٔ ایالات متحدهٔ امریکا برضد کشورهای پناه دهندهٔ تروریست ها نبوده است بلکه برعکس، اگر نظری به ارژانتین، شیلی، اسلوادور، پاناما و دیگر کشورهای امریکای لاتین بیفگنیم و بر آن ها بعضی از کشورهای اروپایی مانند فرانسه را که پناه گاه مجرمان و تروریست هاست علاوه کنیم، این پرسش مطرح می گردد که انگیزهٔ ایالات متحدهٔ امریکا در حمله بر افغانستان چیست؟ علی الظاهر دو علت به نظر می رسد: یکی این که حملات یازده سپتامبر بر خاک امریکا بوده است، دوم این که حملات بر بنیادهای اساسی اقتصاد امریکا ـ مرکز تجارت جهانی ـ صورت پذیرفته است.

این حملات بر ضد سرمایه داری غرب صورت گرفته که ایالات متحدهٔ امریکا در پنج سال اخیر در رأس جنبش سرمایه داری قرار داشته و مبارزهٔ سرسختی در دفاع از ارزش های اخلاقی و اقتصادی تجارت جهانی و استراتژی های جهانی شدن کرده است.

بنا بر این حوادث یازدهم سپتامبر فرصت های مناسبی را برای تسلط "جهان آزاد" و برتری اخلاقی بالای کشورهایی که به تفکر بازار آزاد رابطه دارند در اختیار ایالات متحدهٔ امریکا قرار داده است.

این جنگی که بش و بلیر طبل آن را زیر عنوان "دفاع از تمدن" برضد نیروهای غیر عقلانی نواخته اند در چهارچوب تلاش برای ارزش های آزادی و برتری جهان آزادی خواه توجیه ندارد. در همین حال هم پیمان های ایالات متحده در این جنگ، نظام های غیر دموکراتیک سرکوب گر و خشونت گری است که بیشتر از هر کشور جهان به صورت بسیار رسوا آمیز حقوق بشر را پامال کرده اند و چون گذرگاه شرکت های چند ملیتی نفت می باشند قابل تحمل هستند و برای ایالات متحده همین امر اهمیت دارد. مانند اندونیزی، که مسؤول قتل عام در تیمور شرقی بوده و پرونده های سیاهی در مورد سرکوب مخالفان داخلی خود دارد. همچنان روسیه، کشوری که جمهوری چیچن را به خاک یکسان کردهٔ و تا سال ۱۹۹۹ پنجاه هزار انسان را به قتل رسانده است، به همین سان چین که در سال ۱۹۸۹ هزاران تن از مظاهره چیان را در میدان تیانانمین Tiananmen کشته و به همین منوال است ترکیه که همه کشورهای جهان جنگ آن کشور برضد کرد ها را محکوم کرده است. پس قرار دادن "جهان متمدن" در برابر بقیهٔ جهان با این وضعیت درست در نمی آید.

اگر ایالات متحدهٔ امریکا در پی درمان تروریسم بین المللی است، ایجاب می کند تا نخست در پی جستجوی عللی باشد که منجر به حمله و درهم کوبیدن مؤسسات مالی مرکزی آن کشور گردید.

ایجاب می کند تا ایالات متحدهٔ امریکا اعتراف کند که نظام های خاورمیانه که از بطن آنها شبکه های تروریستی ضد امریکا تولد یافته اند، همه مخالفت های سیاسی و فعالیت های آزادانه در برابر خود را نابود کرده اند.

مناسب است تا ایالات متحده این ریاکاری آشکاری را که در کمک به همچو کشورهایی در پیش گرفته است، بررسی نماید. هرگاه در همچو کشورها فرصت رشد و ظهور اندیشمندان آزادی خواه از بین برده شود و هرگاه که مخالفان سیاسی به طرز وحشیانه سرکوب گردند و تشکیل اتحادیه ها و سندیکا های کارگری کاری خلاف قانون شمرده شود، آن گاه دین یگانه وسیله یی است برای مخالفت و هر زمانی که مخالفت جز از راه دین باقی نماند، مخالفت دینی تعصب آمیز بسیار

> **ایجاب می کند تا ایالات متحدهٔ امریکا اعتراف کند که نظام های خاورمیانه که از بطن آنها شبکه های تروریستی ضد امریکا تولد یافته اند، همه مخالفت های سیاسی و فعالیت های آزادانه در برابر خود را نابود کرده اند**

محتمل است.

هرگاه ایالات متحده خواسته باشد، تروریسم بین المللی را شکست بدهد، ضرورت دارد تا با ریشه های اصلی تروریسم جهانی مانند مبارزه با فقر جهانی به پا خیزد. لیکن امریکا در این که تروریسم بین المللی را شکست دهد جدی به نظر نمی رسد؛ زیرا انکار این کار ایجاب می نماید تا به اصلاحات در خاور میانه پای بند بماند، روند دموکراسی را

> **اگر ایالات متحدهٔ امریکا در پی درمان تروریسم بین المللی است، ایجاب می کند تا نخست در پی جستجوی عللی باشد که منجر به حمله و درهم کوبیدن مؤسسات مالی مرکزی آن کشور گردید**

تقویت کند، مطبوعات آزاد و سیستم چند حزبی و رشد جامعهٔ مدنی را حمایت کند که همه بر نقش اقتصادی امریکا در منطقه می توانند تأثیر گذار باشند.

همین بی تفاوتی امریکا در قبال مشکل مردم افغانستان که از سال ۱۹۹۶ زیر تسلط حکومت طالبان رنج بردند نمونهٔ افسانه یی از بی تفاوتی امریکا به حساب می آید، همان گونه که مناسب بود تا ایالات متحدهٔ امریکا از کمک به اسراییل دست بکشد. و تا زمانی که نفت عامل تعیین کننده در جهان باشد امریکا آمادگی چنین کاری را ندارد.

همان گونه که کمک این کشور برای مشهور ترین جنایت کار جهان، اریل شارون اسراییلی (کسی که شخصاً مسؤول کشتار در کمب های صبرا و شاتیلاست) بمباردمان و محاصرهٔ اقتصادی ملت عراق به مدت ۱۱ سال جز این که "سیاست خارجی جنایت کارانهٔ امریکا" نامیده شود توجیه دیگری ندارد.

"جنگ جهانی بر ضد تروریسم" نظام های نقض کنندهٔ حقوق بشر را در نقض حقوق بشر مشروعیت داد؛ اسراییل بعد از یازدهم سپتامبر سرکوب و کشتار فلسطینیان و ویران سازی روستاهای فلسطین در مناطق اشغالی را چند برابر ساخت. افزون بر آن دزدی سرزمین های فلسطینی رو به افزایش است و اجرای عملیات ترور سیاسی به میزان بلندی رسیده و به همین صورت روسیه نابود سازی چیچن را در لفافهٔ مشروعیت تازه آغاز کرده است.

در روز یازدهم سپتامبر ایالات متحده در تروریسم و دهشت افگنی روز مره یی داخل گردید که از آن ملت هایی که در تحت نظام های تحت الحمایهٔ امریکا هستند، رنج می برند، و بد ترین شیوهٔ مخالفت های سیاسی سرکوب گری را آموزش می بینند. با این هم، این شوکی که یازدهم سپتامبر در امریکا به وجود آورد، نگذاشت تا این کشور از خصوصیات برتری جویانه دست برداشته و در سیاست خارجی خود که سبب مرگ افراد بی شماری شده که بن لادن هم فکر آن را نمی کرد - البته اگر ثابت شود که بن لادن این حملات را به راه انداخته باشد- دوباره اندیشه نماید.

اما امکان مقایسه میان آنچه که از آن باشندگان نیویارک رنج می برند و آنچه که مردم افغانستان و فلسطینی ها را رنج می دهد، وجود ندارد، رنج بردن زیر تسلط خشونت روزانه و تروریسم دولتی یک نوع رنجی است که با رنج بردن مردم نیویارک و واشنگتن از حملات استثنایی که به ندرت واقع می گردد اختلاف دارد.

مشکل است که عملکرد ایالات متحدهٔ امریکا و بریتانیا در مورد آنچه که به این واقعیت تاریخی هولناک ارتباط می گیرد، را به مطالعه گرفت و ریاکاری و دو رویی را که در این لسان به کار برده می شود، از نظر دور داشت. این کشور با بریتانیا اعلامیهٔ مشترکی بر ضد تروریسم صادر می کنند، امریکایی ها علناً تروریسم را محکوم می کنند اما همواره نظام های تروریستی را کمک می کنند مانند اسراییل، نیکارگوا، ارژانتین، شیلی، اسلوادور، گواتیمالا، رنگولا و موزامبیک همه از کمک های امریکا بهرمندند و از آموزش های امریکایی سود می برند.

تروریسم، اصطلاح سیاسی آهنگین است، تونی بلیر نخست وزیر بریتانیا به صراحت گفت که هجوم بر مرکز تجارت جهانی "تعصب و زشتی را به نمایش می گذارد" مرز های تفکر عادی ما را در می نوردد اما بمباردمان افغانستان که حساب شده هم بود و تخصصی هم انجام می یافت و هیچ نوع نشانه یی از عدالت، انسانیت و رحم در آن وجود نداشت تعصب و شری که سبب مرگ حساب شدهٔ مردم افغانستان بی گناهی که توانایی فکر کردن در حوادث یازدهم سپتامبر را هم نداشتند تلقی نشد.

این دو رویی در این جنگ شکل خاصی به خود گرفته است، چنانچه ایالات متحدهٔ امریکا مسؤول مسلح ساختن و تربیهٔ نظامی صدام حسین قبل از جنگ خلیج می باشد، همان گونه که CIA به همیاری ISI تنظیم ها را کمک می کرد، سازمانی است که اسامه بن لادن را در شروع دههٔ هشتاد برای سر و صورت دادن نیروهای ضد روسی کمک کرده است.

همان گونه که آموزشگاه امریکن که بعدها تغییرنام داد ژنرال های آدم کش آمریکای لاتین را در قرن بیست آموزش داد، پس بن لادن آشنایی با تروریسم را از کار گزاران CIA دریافت کرده است.

بن لادن، در همکاری با استخبارات مخفی پاکستان که از سوی ایالات متحدهٔ امریکا کمک می شد در کوه های شرقی افغانستان یک نیروی فدایی تشکیل داد که این قوت فدایی هنگامی که در خاورمیانه سیاست تجاوزگرایانه رو به افزایش و امپریالیستی از سوی امریکا به راه افتاد بر علیه امریکا جهت داده شد.

ادامه دارد

"زندگی را مِه گرفته است" منتشر شد

محمد اسحاق فایز

به تازگی ها، "زندگی را مِه گرفته است" یکی دیگر از گزینه های شعری عزیز الله نهفته شاعر جوان افغانستان از چاپ بر آمد و به دسترس مشتاقان شعر زبان فارسی دری قرار گرفت.

این مجموعه، به همت محمد ابراهیم شریعتی افغانستانی، ناشر آثار ادیبان، شاعران، مؤرخان و محققان افغانستان در کشور ایران ازین چاپ یافته است و جای دارد که در آشفته بازار فرهنگ کشورمان که هیچ مرجع رسمی و غیر رسمی در آن به چاپ آثاری از آفرینشگران کشور ما نمی پردازند، از این جوان برومند (ناشر افغانستانی در ایران) سپاسگزاری شود.

"زندگی را مِه گرفته است" در ۹۶ صفحه و کاغذ اعلی با آرایش و ویرایش خوبی چاپ شده است که در برگیرندهٔ ۳۸ پارچه شعر سپید و غزل می باشد. عزیز الله نهفته، از شاعران با نام و جوان کشورماست. از او مجموعه های دیگری هم اقبال چاپ یافته است و مجموعهٔ حاضر، نشانه یی از کار و ادامهٔ تلاش آفرینشگرانهٔ نهفته در عرصهٔ شعر است. "نهفته" را از پیش به عنوان شاعر غزل سرا می شناختم و به غزل هایش دلبستگی فراوانی داشتم، در مجموعهٔ حاضر، شعرهایی از او خواندم که شعر سپیدش می خوانند و افسوس خوردم که کاش نهفتهٔ عزیز، غزل هایش را یکسر در این مجموعه حضور می داد تا شعرهای سپیدش.

گزینهٔ "زندگی را مِه گرفته است" با یادداشت ناشر آغاز می شود و با شعر "هزارهٔ تبعید" به پایان می رسد.

سخن در این نبشتار کوتاه را از غزل های آمده در این مجموعه می آغازم که آنها را زیبا تر و درخشان تر از دیگرها می دانم و در آخر به شعرهای سپید نهفته در این مجموعه نیز اشاراتی خواهم کرد. من ناقد نیستم و در خود صلاحیت نقد و بررسی شعر دیگران را نمی بینم ولی فقط در این مختصر به نشانه زنی نکته ها وتصویر هایی می پردازم که در دفترچهٔ حاضر آن ها را برجسته می بینم و تذکاری مختصر به خوانندگان که این گزینه را به دست آورند و از محاسن آن لذت ببرند.

شعر خوب همان است که خواننده را به زمان و مکان و احوال زندگانی آدم ها ببرد و با آن ها پیوند بدهد. در شعر نهفته این خصوصیت را به خوبی مشاهده می کنیم.

در روزگاری که خنجر داران در جاده های صبح جگرگاه پیادگان سحر را می درند، چه باید گفت. نهفته این نیاز و سؤال را پاسخ می دهد و از هجوم خنجر داران روشنی کش سخن می زند:

کسی به جادهٔ وحشت دویده با خنجر

پیادگان سحر را دریده با خنجر

از آنجایی که نهفته از مدعیان شعرمخصوصاً (غزل نو) در کشور است، می کوشد این ممیزه را در شعرهایش (غزل هایش بیشتر) رعایت کند. همان گونه که می دانیم در غزلیاتی به این شیوه تصویر در کلیت با بهم پیوستگی تصویرهای کوچک و انتزاعی هر بیت شکل می گیرد و در آخر به نتیجه و ادامهٔ یک تصویر و فلسفهٔ بزرگ می انجامد.

نهفته بسیار کوشیده است در تعدادی از غزلیات این دفتر، به این اصل پای بند باشد:

به صفحه صفحهٔ روح تبار نامهٔ باد

دو خط خط چلیپا کشیده با خنجر

کسی سپرده به خاطر تمام حادثه را

و نقش کرده غمش را به دیده با خنجر

در غزل بالا که با عنوان "با خنجر" چاپ شده است، لا اقل من یک تناقض و آشفتگی ذهنی را می بینم. در مصرع اول شاعر هشدار می دهد که کسی میان جادهٔ "وحشت دویده" و "پیادگان سحر" را دریده است ولی در یک بیت مانده به آخر در حالی که تداوم وحشت آمده را همچنان نشان می دهد (وقتی درمیان مزرعه مترس می گذارند که پرندگان از آن وحشت کنند. مثلاً دانهٔ گندم را نخورند و نریزند) از خود می پرسد که چه شده، مگر "سپاه تتاران رسیده با خنجر؟".

نتیجه یی که شاعر از این یقین و تردید دارد جالب است، نفرت، نفرت بی پایان او از وحشت آمده بر ما.

تمام متن تو را، سرنوشت، باخته ام

به اوج ذهنم نفرت جهیده با خنجر

"راوی قتل اقاقی" غزلی دیگر، آمده در این گزینه است. با تصویری زیبا و تعابیری روشن و دلپذیر، شاعر از تداوم و جاری بودن موج رگبار خبر می دهد، موجی که در سالیان اخیر چه بسا بساط زندگی را که در نوردید و به تباهی کشاند.

وقتی رگبار برقامت ما آماج می شود و قامت ها را چون آوار فرو می ریزد، زمین از این تداوم نوحهٔ نسل ها، چندان پر است که نوحهٔ آن به ماه هم می رسد:

دیری است در آسمان، موج رگبار جاری است

در ذهن سرد سحر، قامت دار جاری است

شب دور گردی است

کز درد یک شهر آگه است

در ماه هم، نوحهٔ نسل آوار جاری است

"راوی قتل اقاقی" تعبیر ساده و زیبایی است وقتی "او" از جاری بودن تصویر رگبار خبر می دهد، می دانیم که رو به روی ما، آیینه، پر از حادثهٔ واقعی آن است:

راوی قتل اقاقی، غریبانه می گفت:

در متن آیینه تصویر رگبار جاری است

غزل را پاییز، یکی دیگر از غزلیات خوب این گزینه است. تصویر وهنجارهای پاییز، از اول تا آخرین بیت در غزل ملموس است. از نگاه کاوشگر و نظاره گر کسی که ما را می پاید تا غریو دردی که در نبود بهار، گل و تازگی و حضور بی سابقهٔ خارها و قصهٔ کوچ و درد ویرانی و سکوت خستهٔ بیمار:

نگاه کیست می پاید مرا بیزار در پاییز!

کجا پنهان کنم من خویش را نا چار در پاییز

و در بیت دیگر:

و گفتی می روی و یا دهایت نقش می ماند

چنان برگ صنوبر در کنار خار در پاییز

غزل "نبض شقایق" زیباست و حیف که ذکر خیر این غزل ها و شعرهای سپید مجال بیشتری می طلبد که ما را میسر نیست با آن هم سه بیت از این غزل:

شیار نبض شقایق دروغ نیست، نگر

به داغ پیرهنم من رجوع خواهم کرد

اگرچه از گذر اخگران جدا شده ام

به کوره های تنم من رجوع خواهم کرد

کنون که سبز ترین جا سکوت پاییز است

به کوچهٔ سخنم من رجوع خواهم کرد

اما شعرهای سپید نهفته نیز چیزی از چنین خوبی و ظرافت کم ندارند. (البته که به غزلیاتش نمی رسد):

چنین می تازد اسپ

با سمضربه ای آهنگ سوگواران و

نعش یک اسپیدار به ورش

چنین می تازد اسپ

(پارچه یی چنین می تازد اسپ)

نهفته، در غزلهایش شاعر است و در "سپیدهایش" از خود فاصله می گیرد. وحتی گاه گاهی به شعار پردازی نیز متوسل می شود سیاست زده می گردد:

برادر هم نسل من!
خون من و تو
همرنگ اند
به من اعتماد کن
نه من از دیار دیگرم
نه تو از بلاد دیگر
من و تو
شاخهٔ یک درختیم
که ریشه اش هنوز هم
سبز سبز است

(پارچه یی از حاشیهٔ زخمی تا متن بامداد)

و جای دیگر:

تفنگ را در خاک همسایه گور کن

که حتی بعد از هزار سال

فسیل آن بهانهٔ جنگ نشود

(همان پارچه)

و در شعر از حاشیهٔ ورق پاره های کهنه:

نام من "مهاجر" است
در این دیار غریب
آواره ام
اینجا
برای آب و آفتاب بیگانه ام
اینجا
سگان بر من پیشتر پارس می کنند
اینجا
گاهی در غرابت زبان و مکان
کم می شوم

نمونه دهی دیگر نمی کنم. قصدم همان گونه که گفتم نقد نیست مجموعهٔ "زندگی را مه گرفته است" غنیمتی دیگر است. من آرزو می کنم که نهفته، ما و همهٔ مشتاقان شعر را از چاپ غزلیاتش در آینده بی نصیب نکنند که این را بر آن را مزیتی است آشکارا!

برای نهفته زندگی با سعادت و کامیابی های بسیار آرزو می کنم.

دمشر یش

ش - زیارمل

اکیسه ده چي یوه ورځ سور لنډی او کیدړه دواړه په ځنګه کلي جوړه روان او په دي فکر و چي د ځان مرولو لپاره د ځنګله کومي برخي ته لاړ شي چي په دي وخت کي پري نا ببره زمري راغي، دواړه هک پک ودریدل چي د ځان د ژغورني لپاره څه وکړي. سورلنډي کیدړي ته په ناامیدي سره مخ واړاوه او ورته ئي وویل: دادي وخت دي څه فکر وکړه که نه نو دواړه د بلا په خوله کي پربوتو کیدړي چي په زیرکی او مکاری کي نوم لري له لږ فکر وروسته سورلنډي ته داډ ورکړ چي خاطر ئي جمع اوسي او فکر خراب نه کړي. کله چي زمري په بدنیت دواړو ته رانږدي شو، کیدړه سلامي شوه او ورته ئي وویل: ګرانه مشره! ستا عمر دي ډیر وي . ښه دي چي مخي ته راغلي که نه موږ خو تا پسي در روان وو.

زمري تري پوښتنه وکړه: د څه لپاره او ولي په ما پسي روان واست؟ کیدړي وویل صاحبه! موږ دواړو له بر کلي نه پنځه چرګان ونیول او پنځه واړه مو خپلي ځمځي ته وړسول لانجه مو په دي کي ده چي ما دوه را نیولي او سور لنډي ملګري مي دري را نیولي خو ما ورسره مرسته کړي ده اوس دي دري غواړي او ماته دوه راکوي تا سو وواياست چه دا لانجه ځنګه حل کړو؟

زمري چي توله ورځ ئي د ښکار لپاره څه نه و پيدا کړي او کلمي ئي له لوږي را ترنجي شوي وي، ددي خبري په اوریدو ډیر خوشحاله شو او ورته ئي وویل چرګان ماته راوښيي، چي درباندي ئي وویشم.

کیدړه او سورلنډي دواړه مخکي او زمري ورپسي و تر څو چي د خپل غار خولي ته ورسیدل زمري سورلنډي ته امر وکړ چي غار ته ننوځي او چرګان را وباسي کله چي سورلنډي په غار کي زیات وخت تیر کړ نو زمري نا ارامه شو خو کیدړي له زیاتي خیرکی نه کار واخیست او له زمري نه ئي اجازه وغوښته چي هغه هم غار ته ننوځي او له خپل ملګري سره د چرګانو په رانیولو کي مرسته وکړي. زمري هم اجازه ورکړه او پخپله د غار خولي ته سترګي په لار پاتي شو چي چرګان ورته راوباسي او ټول وخوري.

کله چي زمري په زیات انتظار ستړي شو نو غږ ئي وکړ چي دا څه در وشول ، ژر چرګان روباسي چي په تاسوئي وویشم خو د غار دننه ئي د کیدړي اواز واورید چي ویل ئي : مشره موږ په خپل منځ کي جوړ شو، په تا ئي نه ویشو څه په مخه دي ښه!

زمري چي د کیدړي جواب واوریده له لږ څه غړمبیدو وروسته ئي خپله لاره ونیوه او پوه شو چي کیدړي خان او ملګري دواړه وژغورل .

خداي دي خیر کړي چي د افغان ولس د خوارانو ژوند هم لکه ځنګله د ورو ځناورو په څیر د مصونیت چیتر نه لري خو هوښیار به هغه څوک وي چي دظلم او بي عدالتي په وړاندي د خپل ځان د ژغورلو لپاره سم تدبیر او لازمه څیرکي ولري که نه نود سیلاب نه مري ګټل خو ګرانه خبره ده.

د خپلواکي ورمي

حبیب الله زړه سواند

دا زموږ ښکلي وطن هسي وطن دي
چي مين پر آزادي يي هر پتمن دي
د خپلواک ژوندون ورمي پکي چليږي
چاچي کړي د دي هسکو غرو ديدن دي
ځنکه ځارله دي سپيځلي خاوري نه شم
مختورن ورځني تللي هر دښمن دي
د چا اوښکي د چا ويني پري توي شوي
ماته ګران ځکه هر ګل د دي چمن دي
هر يو کاڼي هر يو بوټي دي وطنه!
باور وکړه زما روح او زما تن دي
ښاپيري ورته حيراني دښايست دي
دلته ښکلي هر سحر او ما خوستن دي

وداع با ...

که به وسیلهٔ عبدالمجید زابلی وزیر اقتصاد پیشین افغانستان برگزیده شده بودند تا ریفرم هایی را به سردار محمد داوود پیشنهاد نمایند اما داوود خان هیچ گاه به چنین فعالیت ها به نظر قدر ننگریست.

خلیلزاد در دورهٔ حضور نیروهای شوروی در افغانستان به دولت های مختلف در امریکا مشوره داد. او در مذاکرات میان مجاهدین افغانستان و مقامات ارشد امریکایی در مورد سپردن ستینگر به مجاهدین از جملهٔ مذاکره کنندگان بود، او با رهبران مجاهدین رابطهٔ نزدیک برقرار کرد که بعدها در مأموریت وی به عنوان سفیر در افغانستان کارگر ثابت شد.

خلیلزاد در مقاطع حساس با مداخلات خویش سعی کرد تا میان خواست های امریکا در افغانستان و تمایلات مردم افغانستان تعادل برقرار نماید. این مداخلات به خصوص در دو لویه جرگه تا حد زیادی محسوس بود. او با مشوره های خود به رئیس جمهور کرزی، به صورت غیر مستقیم در رهبری افغانستان سهم گرفت و البته در اشتباهاتی که در این دوره صورت گرفت او را نیز باید سهیم دانست.

خلیلزاد از جملهٔ تمویل کنندگان اصلی شورای علمای افغانستان بود که به رهبری قاضی القضات شینواری به وجود آمد و کرزی نیز سخنرانی مهم خود را در مجالس همین شورا ایراد می نماید. وظیفهٔ این شورا خنثی نمودن تبلیغات طالبان در مورد حضور نظامی امریکا و غرب در افغانستان است. به خاطر اهمیت نقش خلیلزاد در

خلیلزاد افغانستان را در شرایط بسیار بهتر از شرایطی ترک می کند که (بریمر) عراق را ترک کرد واین برای او در یک ماموریت دشوار دیلماتیک موفقیت کوچکی نیست

این جریان بود که شینواری از بش تقاضا نمود تا اجازه دهد که خلیلزاد در افغانستان به وظیفهٔ خویش ادامه دهد شینواری از ادامهٔ کمک های سخاوتمندانه به این شورا نگرانی دارد.

تنها شینواری نیست که از این رهگذر نگرانی دارد. خلیلزاد به عنوان یک افغانی تبار در جلب کمک های امریکا به افغانستان دارای نقش عمده بود و کم نیستند کسانی که گمان می کنند رفتن خلیلزاد روی میزان کمک های امریکا به افغانستان تأثیر خواهد داشت.

خلیلزاد آرزومند بود که با تأمین امنیت در افغانستان زمینه برای تمدید لولهٔ گاز ترکمنستان به پاکستان و هند از این مسیر میسر گردد. این کار باید به وسیلهٔ شرکت یونیکال که او مدت ها از مشاوران آن بود صورت گیرد اما آخرین روزهای مأموریت وی در افغانستان با وقایع خشونت باری همزمان شد که می تواند شک و شبههٔ فراوان در تطبیق این برنامه ایجاد نماید. طالبان با تشدید فعالیت در مناطقی که لولهٔ گاز باید از آن جا عبور نماید، موجودیت خویش به عنوان یک خطر ملموس را به نمایش گذاشتند و این مسأله موجب عصبانیت خلیلزاد نسبت به پاکستان شد که به برخورد لفظی انجامید.

با وجود این وقایع، خلیلزاد افغانستان را در شرایط بسیار بهتر از شرایطی ترک می کند که (بریمر) عراق را ترک کرد واین برای او در یک ماموریت دشوار دیلماتیک موفقیت کوچکی نیست.

د وروستيو نا آراميو په باب د شيكاګو تريبون رپوټ

په امريكار كي خپريدونكي ورځپاني شيكاګو تريبون پخپلي وروستي ګڼه كي په جنوبي سيمو كي په ځانګړي توګه د قندهار په ولايت كي وروستيو پوځي عملياتو ته يوه كتنه كړي چي ځني غټ تكي ئي وراندي كيږي: ورځپانه ليكي: افغانان ويره لري چي د نوي كال له پيل څخه تر اوسه تاوتريخوالي ددي ښكارندوي دي چي هيواد د ګډوډي او نا آمني په لور درومي بلخوا ائتلافي او افغاني ځواكنو خبرداري وركړي چي كيداي شي د پارلماني ټاكنو تر پايه پوري په بريدونو كي زياتوالي راشي. ورځپانه زياتوي د افغان حكومت په پرتله ائتلافي ځواكونه د طالب جنګياليو تلفات كم ښيي خو د كورنيو چارو وزارت وايي : وروسيتو بريدونو طالبانو ته درانه ځاني او مالي زيانونه اړولي دي. له بلي خوا د ستراسفورد خپروني د اورپكو فعاليتونو زور اخيستي دي تر سر ليك لاندي يو مطلب خپور كړي او وايي د افغانستان په جنوب او ختيځ كي د افغاني او ائتلافي ځواكونو موخه داده چي په كندهار او زابل كي طالب اورپكي له غرونو راښكته اوسيمي تري پاكي كړي

ستراسفورد وراندي ليكي كه څه هم د 2001 كال راهيسي طالبانو ونشو كولاي چي په سياسي ډګر كي خانونه مطرح كړي خو ژمنه ئي كړي چي پارلماني ټاكني ګډ وډي كړي خو دا له امكان څخه لري ده چي طالبان او ملاتړ ئي د ټاكنو تر وخته خپلو بريدونو ته ادامه وركړي. ستراسفورد زياتوي كه څه هم د طالبانو يو شمير منځ لاري په سياسي عمليه كي د ګډون ليوالتيا لري خو نور سخت دريځي عناصر ممكن وسلي پر ځمكه كي نه ږدي تر څو بشپړ سياسي واک تر لاسه نه كړي. خپرونه ليكي د ائتلافي او افغاني عملياتو مقصد دادي چي جګړه د اورپكو ځايونو ته ورسوي او د پاكستان او افغانستان پولي ته نږدي سيمو كي طالب او القاعده جنګيالي د غرونو او سنګرونو څخه راكښته او له منځه يوسي خپرونه په پاي كي زياتوي كه څه هم د افغانستان شخړه د عراق د شخړي په شان نه ده خو د امريكا متحده ايالاتو ته يو مهم او جدي مساله ده كه د عراق مساله حل او ثبات په كي راشي نو بيا به په افغانستان كي د ټوپك ډز د سولي په غږ بدل شي.

تبدیلی های جدید والیان اصلاحات یا ...

نداشته است. پخش چنین اخبار و شایعات برخلاف ادعاهای دولت نتیجهٔ عدم تفاهم و هماهنگی در حکومت و عدم تحکیم نظام در کشور می باشد.

مردم به این باورند که اگر دولت نفوذ قومی و محلی این افراد را محک تجربه قرار می دهد بایست این ها در پست هایی که در گذشته قرار داشتند موقعیت های بزرگی به دست می آوردند، اگر ظرفیت بلند کاری و مدیریت آنها مورد تجربه قرار می گیرد هر یک از این ها تا کنون در چندین پست و مقام بلند دولتی برگزیده شده اند ولی به علت عدم موفقیت پس از مدتی به وظیفهٔ دیگری گماشته شده اند.

برپایی تظاهرات خشونت آمیز، چور و چپاول دارایی های عامه در ولایت ننگرهار، ترور شخصیت ها و فعالیت های آشوب گرانهٔ دشمنان در ولایت کندهار، ربودن کارمندان مؤسسات خارجی در کابل همه مواردی است که بیشتر دلالت بر عدم توانایی و مدیریت والیان داشته است.

اما مشاوران خارجی که بیشتر در بر طرفی و تعیین افراد در مقامات محلی و دولتی نقش اساسی دارند، یک بار دیگر تجربهٔ غیر مفید و غیر مؤثر را می خواهند تجربه کنند این که با چه بهایی و با چه قربانی این تجربه به سر می رسد مردم بهای آن را می پردازند.

كه پر يوه ستر‌ګه ړوند شوي پر بله لاس كيږده!

زكو خيل

موږ په وار وار دا خبره كړيده ، چي دوه نيمي لسيزي په ګران هيواد افغانستان كي شوي جګړه روانه وه، جګړي دولس مادي او معنوي ارزښتونه او شتمني له خاورو سره خاوري كړي، هيواد او هيوادوال يي له بي شميره ستونزو او كړاوونو سره مخامخ كړل.

د بن د تاريخي غونډي له جوړيدو وروسته په لنډ مهاله او انتقالي دورو كي داسي اټكل كيده ، چي انشاءالله جګړه نور پاي ته رسيدلي او افغان ولس د جګړي د ټپونو په درملنه او تداوي بوخت دي. داسي فكر كيده ، په ډيري ميني سره به هر افغان د خپل واک او توان په اندازه د هيواد په بيا جوړولو او ودانولو كي اغيزمنه او ارزښتناكه ونډه واخلي . او د بيا ودانولو بهير به له دي امله له بل هر وخت پياوړي او ګړندي وي ، چي ولس مشر د افغانانو د ملي وثيقي (اساسي قانون) او د خلكو له پلوه غوره شوي او ټاكل شوي د جمهور رئيس تر څنګ ولاړ دي او په نيږدي راتلونكي كه به انشاءالله همداوي چي چاري به سمي شي خو په خواشيني سره بايد يادونه وكړو، چي جګړه د پرديو له خوا لاهغسي پر موږ تپل شويده، تر اوسه په يوه يا بل نوم افغانان وژل كيږي، ميندي بوريږي او خويندي مو كونډيږي.

پوښتنه پيدا كيږي چي جګړه او ورور وژنه د څه له پاره او تر كومه وخته به د افغان په لاس افغان وژل كيږي؟

موږ هر يو بايد د تيرو څو ستونزمنو لسيزو په باب ژوره پاملرنه وكړو جنګ هيواد والو ته ستونزي، كړاوونه او غمونه وركولي شي، بله كومه ستونزه د جګړي په واسطه نه شي اواريدى يوازي زموږ په كړاوونو او ستونزو يو څه ور زياتولي شي او بس!

ښه به داوي، چي هر افغان په هر ځاي او هر مقام كي ، چي وي، د يوه مسلمان او افغان په توګه له ځانه وپوښتي، چي څه مي وكړل؟ څه كوم او څه به وكړم؟ د ځان ، كورني او ټولني په مقابل كي د مسووليت په احساس، او د قانون په رڼا كي د روښانه راتلونكي پر لور ګام پورته كړي له پرون څخه عبرت او پند واخلي او د لويانو دي خبري ته چي وايي: "كه پريوه ستر‌ګه ړوند شوي ، پر بله لاس كيږده" څكه چي خداي(ج) دي نه كړي، چي په دواړو ستر‌ګو ړوند شي.

له دي امله وايو؛ راځي ستونزي د جر‌ګو ، مركو، يو بل سره د سلامشوري له لاري حل كړو د يو بل غوښتنو او وړاندېزونو ته پاملرنه ولرو. د سولي لاره خپله كړو.

تر څو د ګډو هلو ځلو په پايله كي يوه هوسا او ارامه ټولنه جوړه او يو د بل تر څنګ داډ من، ارام او خوشحاله ژوند پكي وكړو.

د نشه يي توكيو سره مبارزه ...

دغه راز زموږ هيله داده چي د افغانستان د اسلامي جمهوريت د اړوندو مقاماتو له خوا په هيواد كي د كوكنارو، چرسو او بنګ دانو د كركيلي د مخنيوي لپاره يوه ګټوره ستراتيژي جوړه شي ترڅو زموږ كروند ګر ددغو زهرجنو او تباكوونكو بوټو پرځاي نور هغه فصلونه وكري چي زموږ ولس ورته اړتيا لري؛ هيله من يوو چي د مخدره موادو د مخنيوي د نړيوالي ورځي دغه شعار چي وائي: "دځان قدر وكړئ او د خپلي سلامتي څارنه وكړئ". زموږ په هيوادكي د خلكو او دولت په ګډه همكاري تر جدي تطبيق لاندي ونيول شي.

د هيواد كروند ګر بايد د ملا امامانو، خطيبانو، روښانفكرانو، ملي شخصيتونو او په تيره بيا د ډله ييزو اطلاعاتي وسايلو له لاري د مخدره موادو اضرارو، عواقبو او دهغو دنيوي او اخروي نقصانونو ته متوجي كړي شي او قناعت وركړي شي چي ددغه بوټي په كرلو سره نه خپل ځان د خپل خداي"ج" په نزد ګناهكار كړي او نه زموږ هيواد د نړيوالو په ذهنيت كي بد معرفي كړي بلكي زموږ هيله داده چي د دولت او ملت په ګډه همكاري او ديوي منطقي او ګټوري ستراتيژي په جوړولو سره زموږ د هيواد له پاكي لمني څخه د مخدره موادو د بدنامي تور داغ لري شي او موږ په راتلونكي كي د نشه ئي توكيو پرځاي نور ګټور زراعتي توليدات بهرنيو هيوادوته صادر كړو نه د مرګاو وژني مواد.

سیمینار بررسی نقش رسانه ها ...

آقای بسم الله بسمل رئیس کمیسیون مستقل برگزاری انتخابات پارلمانی نیز سخنانی در این همایش در پیوند با نقش خبرنگاران و رسانه ها در امر برگزاری منصفانهٔ انتخابات ایراد کرد و از تلاش های کمیسیون برای ایجاد شرایط برابر به همهٔ کاندیداها در رسانه ها سخن گفت و سلطان احمد بهین سخنگوی دفتر مشترک تنظیم انتخابات نیز سخنانی بیشتر در این معنی گفت. این تأکیدات بر عادلانه برگزار کردن انتخابات از سوی مسؤولان دولتی و بین المللی در زمانی صورت می پذیرد که کسانی بسیار دغدغه ها و دلهره هایی را در بارهٔ بی طرفانه برگزار شدن انتخابات ابراز داشته اند و از تهیهٔ فهرست هایی از نامزدان مطلوب از سوی حلقه هایی سخن به میان آمده است.

آقای عبدالهادی راشد رئیس اکادمی علوم افغانستان یکی دیگر از سخنرانان بود که او بیشتر به ارزشهای اخلاقی و فرهنگی کار ژورنالیستان پرداخت و رعایت آن ها را در عرصهٔ کار ژورنالیستی لازمی خواند، چیزی که غالباً بدان چندان توجه نمی شود.

آقای ظاهر عزیز نمایندهٔ دایم افغانستان دریونسکو در بارهٔ توسعه و تحول مطبوعات در بیش از سه سال اخیر اشاراتی کرد و از حمایت یونسکو از مطبوعات و آزادی بیان سخن گفت سپس مستقیماً به جایگاه زن درفرهنگ و تمدن پنج هزار سال پیش این کشور فرهنگ و تمدن ویدی پرداخت و روایتی از آن آورد که زنان را به گلهای بهاری تشبیه کرده بود. این سخن شاید به این لحاظ در سخنان نمایندهٔ افغانستان در یونسکو بدین مناسبت گفته آمد که دیگر امروز مد شده است به هر مناسبتی که باشد باید به گونه یی با ربط و بی ربط از زن و جایگاه او سخنی گفت.

آقای قسیم اخگر هم به شیوهٔ معمول سخنانی پرشور در باب آزادی بیان ایراد کرد و جوهر انسانی انسان را مرهون آزادی و انتخاب او دانست و گفت انسان تنها با اختیار و انتخاب و آزادی است که به انسانیت می رسد و ملت ها با آزادی و اختیار و انتخاب جمعی است که ملت می شوند.

افزون بر اینان چند نفر دیگر شعر هایی خواندند و سخنانی گفتند. پس از وقفهٔ صرف نان چاشت و نماز پیشین ساعت ۲ پس از ظهر جلسهٔ دوم سیمینار آغاز یافت. کسانی در بارهٔ ژورنالیسم کنونی افغانستان و خوبی ها و کاستی های آن سخن گفتند و کسانی دیگر در بارهٔ لزوم رعایت مسائلی در انتخابات پارلمانی از سوی مطبوعات و برخی دیگر به طرح مسائلی از مطبوعات در اوضاع کنونی کشور پرداختند . اما کسی که سخنانش از همه بیشتر به موضوع سیمینار بستگی داشت سخنگوی تازه وارد یوناما کرن بود که از تجربه هایش در زمینهٔ نقش مطبوعات در کشورهای بحران زده و جنگ دیدهٔ شبیهٔ افغانستان، کمبودیا و بوسنی سخن گفت. او گفت که انتخابات سال ۱۹۹۳ کمبود غیر پیش بینی شده و حضور گستردهٔ مردم در این انتخابات پس از سالها جنگ و بحران غیر قابل انتظار بود. اما این انتخابات خالی از مشکل نبود، برخی از کاندیداها با هزینه کردن پول هایی بزرگ بعضی از رسانه ها را اجیر کردند در چنین حالتی خبرنگاران و رسانه ها اعتبار شان را در میان مردم از دست دادند، ونیز به دلایل قومی ونژادی عدم حفظ بی طرفی خبرنگاران و رسانه ها در انتخابات بوسنی پس از جنگ تجربه شده است. این مثال های سخنگوی یوناما هشداری بود برای مطبوعات افغانستان که ممکن است در گودال این تجربه در انتخابات پارلمانی آینده بیفتد.

پس از ساعت ۳ اشتراک کنندگان به کار گروهی دعوت شدند ولی در آن وقت بسیاری از اشتراک کنندگان سالن را ترک کرده بودند.

بی تردید برگزاری چنین سیمینار هایی برای بلند بردن سطح آگاهی و مهارتهای لازم ژورنالیستی برای کارکنان عرصهٔ مطبوعات بسیار بایسته به نظر می آید و برای سامان دادن به بازار آشفتهٔ مطبوعات در افغانستان سود مند است.

هر چند چنان که گفته شد در سازمان دادن این سیمینار افزون بر وزارت اطلاعات و فرهنگ و توریزم (۱۴) نهاد درونی و بیرونی دیگر هم شرکت داشتند و بیش از دو ماه برای برگزاری آن تلاش ورزیده اند اما ترتیب و تنظیم اجرای برنامه هایش نشان می داد که در پی ریزی و پیاده کردن آنها چندان از دقت لازم کار گرفته نشده است.

به گونهٔ مثال برای چاشت غذایی خوب تهیه کرده بودند اما جایی مناسب برای صرف آن که در خور شأن اشتراک کنندگان باشد و سزاوار هتلی مانند انترکانتینینتال در نظر گرفته نشده بود، اکثر کسان بر روی صحن سالن و راه رو ها و راه زینه ها جهت صرف غذا نشستند. و از موارد دیگر این عدم دقت می توان به شعارهای سیمینار اشارت کرد، چیزی که برای تبیین هدف ها و عناصر و موضوعات سیمینار آماده شده است وباید با دقت سوسه آمیز آماده می شد ولی متأسفانه دربارهٔ محتوا و شیوهٔ نگارش بسیاری از این شعارها توجهی لازم به کار نرفته بود. این کار اگر از هر کسی دیگر و هرجایی دیگر قابل چشم پوشی باشد از سوی وزارت اطلاعات و فرهنگ هرگز سزاوار چشم پوشی نیست.

امید است این نقیصه ها در روز های آیندهٔ این سیمینار تا حد ممکن رفع شود و در سیمینار های شبیه آن در آینده نیز از توجه نیفتد.

هر کال ۲۳۰۰۰ کسان په توبرکلوز مری

پامیر

له خینو رپوټونو څخه څرګندیږي چې زموږ په هیواد کې هر کال څه نا څه 70000 د توبرکلوز نوي پېښي منځ ته راځي او په پایله کې نژدي 23000 کسان خپل شیرین ځان له لاسه ورکوي.

توبرکلوز چې T.B هم ورته وائي یو انتاني رنځ دي او عامل ئي د توبرکلوز میکوباکتریم جوړوي زیاتره سږي تر اغیزي لاندي نیسي خو کولاي شي د بدن په هره برخه برید وکړي چې له سږو پرته بل هر ډول توبرکلوزته دریوي بهرتوبرکلوز وائي.

ددغه رنځ پراختیا لکه د زکام په څیر د ککړي هوا له لاري سرته رسیږي، دخبرو، پرشي، ټوخي، خندلو، توپ کولو او سندرو په وخت کي په توبرکلوز باندي اخته کس کولاي شي چې د توبرکلوز عامل هواته انتقال کړي او کله چې یو سالم او روغ سړي بیا دغه راز هوا تنفس کړي په توبرکلوز اخته کیږي.

د توبرکلوز د ناروغۍ انتقال په آسانۍ سره نه تر سره کیږي بلکي له ناروغ کس سره د روغ انسان د دوامداره تماس له مخې د ناروغۍ د میکروب اخیستو امکان شته دي کله چې له ناروغ سره زیات کسان په یوه کوټه کي ژوند کوي د هغو ټولو د ناروغۍ لپاره امکان برابریدي شي.

باید په دي وپوهیږو هغه څوک چې د توبرکلوز باسیل لري او هغه څوک چې په توبرکلوز باندي اخته دي توپیر شته، خیني کسان چې د توبرکلوز باسیل ولري په خپل وجود کي انتان لري خو دهغه د بدن د معافیت سیستم دهغه دناروغۍ د پرمختګ مخه نیسي دغې کسان نورو ته ناروغي نه لیږدوي، هغه څوک چې بیا د توبرکلوز په ناروغۍ اخته دي، که منظمه تداوي او درملنه یې ونه شي نو د مرګخطر ئي زیات دي او امکان لري د څو میاشتو او یا یو کال په ترڅ کي خپل ژوند له لاسه ورکړي. دغه راز کسان نورو ته خپل رنځ لیږدولي شي.

انسانان په هر سن او کال کي ، په هر نژاد او د اقتصاد د سطحي په جګوالي او ټیټوالي کي په توبرکلوز اخته کیداي شي. خو هغه کسان چې د توبرکلوز له ناروغانو سره نژدي تماس ولري د HIV انتان ولري، نیستمن وي، په ناوړه تغذزي یا خورا خواکي اخته وي او یا بي کوره وي زیاتره د توبرکلوز په رنځ باندي د اخته کیدو چانس لري.

د ناروغۍ د پرمختګ خطر زیاتره د کوربه د معافیت سیستم پوري اړه لري خیني ناروغۍ لکه ایدز، شکره، او د خینو زرقي درملو استعمال د بدن دمعافیت دسیستم د ړنګوالي سبب کیږي او د ناروغۍ د پرمختګ لپاره لاره خلاصوي.

په کوچنیو ماشومانو کي د توبرکلوز تشخیص مشکل دي خو په هغه صورت کي چې یو ماشوم چې په توبرکلوز اخته وي او درملنه ئي ونشي د هغه د غړیو د نیمګړتیا او آن د مړیني لامل ګرځي باید په یاد ولرو چې خیني ماشومان د معافیت کمزوري توان لري او کیداي شي چې ډیر ژر په توبر کلوز اخته شي چې دغه راز ماشومان عموماً یا ډیر کوچنیان دي یا په خوار خواکۍ اخته دي، یا شري لري او یا داچې د اوږدي مودي لپاره ئي ستروئید درمل خوړلي دي.

په ټولو پیښو کي روغتیا ئي کارمند باید د ماشوم تاریخچي ته زیاته پاملرنه وکړي او دلاندي حالاتو په باب معلومات تر لاسه کړي د ماشوم دوزن کموالي او د ودې سستوالي د ماشوم کمزوري، بې خوبي، ویره، سردردي او په رواني حالت کي بدلون دا ټول باید وڅیړل شي او بیا معلومات تر لاسه شي چې ماشوم په توبرکلوز اخته دي او که نه.

مامور او اداری اصلاحات

ذبیح الله (اتل)

په ربښتیا چې کسب او کمال ښه شي دی خوکه یې ونه لري او یوازي ددولت ماموریې،خارجی عاید دي هم نه وی نو څرګنده ده چې تل به دسوچونو سره دعمر پاته شپې او ورځې سباکوی او هره ورځ به دژوندانه دستونزو دحل په خاطر یونوی سوچ انتخاب او دخپلی ستونزی دحل لاری چاری به لټوی.

دلوستونکو لپاره به پوښتنه پیداشی ،چې داڅه اېلتې وایي خوداخبری ما څکه وکړی چې زه هم ددی مظلوم او فقیر دولت له فقیرو مامورینو څخه یم. له کومی ورځې څخه،چې مې داداری اصلاحاتو خبر دهیواد په ورځپانو کې لوستی او دتلویزیون څخه مې اوریدلی، چې هریو په خپل وارسره په دغه اړوند بیلابیلی خبری کولی نو باور وکړی ځان راڅخه هیر شوی حتی ډیر وخت داسی پیښ شوی،چې دخپل کورد دروازې پرځای مې دګلونډي د کور دروازه ډبه ولی ده. داداری اصلاحات داتم بم دی ،چې دمامورینو لپاره یې جوړکړی او مامورینو ورته دهیلو داسی څولی غوړ ولی، نه به وایې چې داداری اصلاحاتو سره سم به دهغوی ډوډی توده او اوبه ، به یې یخی شی .داداری اصلاحاتو په اړوند به داسی خبری واوری، چې دوجود ویښتان به دی زیږه او خوب به دربانډی ودریږی او هغه یوه ګوله وچه ډوډی چې دماموریت له معاش څخه دي دزاړه میز ترشالاسته راوړی په ستونی کی ونښلی.

څوک وایې اداري اصلاحات یوازي داول اودوهم بست لپاره دی او یوازي ددغو بستونو لرونکی به عیش وکړی او معاش به یې لوړشی. څوک بیاوایې نه داداری اصلاحاتو کمسیون دوه سوه څلور خوابه تحریری پوښتنی لری. چې دسم ځواب په ورکولو سره به دمامورینو معاش لوړشی اوکه څوک سم ځواب ورنه کړای شی نو پرهمدغه وخوره اومه مره معاش بانډی به پاته وی دي ډول پوښتنو زه له خیالونو سره مخ کړی یم، چې کله ځان په نوموړی آزموینه کې بریالی او د اتو زرو افغانیو خوب وینم اوکله هم ځان په دغه آزموینه کی ناکامه او په خپل کورکی دمیرمنې له غوښتنوسره لاس اوګریوان یم تیره ورځ مې کله، چې تنخا واخیسته هغه دچاخبره، سیده بازارته له دی امله لاړم، چې تیره ورځ دهلکانو مور راته ویلي و، چې وړه خلاص شوی او غوړی هم نشته دمنډیي څخه مي د وړو بوجي واخیسته ډیر ستړی او ستومانه وم ټکسی ته مې لاس ورکړ. ټکسی ته دوړو د بوجی او غوړو دټیم دپورته کولو پرمهال دمعاش دکموالی او دنرخونو دلوړیدو او داداری اصلاحاتوپه فکرکې ډوب تللی وم. بوجي او غوړی مې دټکسی په ټول بکس کې ځای پرځای کړی و خو په هیڅ نه وم پوه شوی. زه همداسی په سوچ کی ډوب وم چې بله ټکسی دهمدی ټکسی تر شا ودریده او له دریدو سره سم ډریور وویل: برادرنمی ری ؟ زه چې خپلی یدی ورځې او د اداری اصلاحاتو غم اخیستی وم دواره مې ورته وویل: میرم ځای می ور وښود کرایه مې ورسره لنډه کړه په موټر کې سپور شوم کله، چې تاکل شوی ځای ته ورسیدم دښکته کیدو پرمهال مې ډریورته وویل: زماوړه او غوړی څو له ټول بکس څخه کته کړه موټروان سترګي برګې کړی په لوړ غږیې ووي: کومه بوجی او کوم غوړی تاخو هغه دوړو بوجي او دغوړو ټیم هغه بل ټکسی ته پورته کړل!!!

مشرف و کرزی با هم...

گفته شده است که این اشارهٔ وزیر اطلاعات پاکستان معطوف به سه نفری است که در قضیهٔ سوء قصد علیه آقای خلیلزاد در سفر لغمان در هفتهٔ پیشین متهم دانسته شده اند.

آقای حامد کرزی در جلسهٔ ۶ سرطان شورای وزیران ضمن تماس گرفتن به صحبت تلفنی اش با پرویز مشرف گفت: امیدواریم که در حفظ روابط حسنه و برادرانه میان دو کشور، صحبت های اخیر اقدامات عملی و صادقانه را در قبال داشته باشد.

انتظار مردم از کمیسیون اصلاحات اداری

پوهندوی عبدالعلی کوهی

کمیسیون اصلاحات اداری درافغانستان، از یک طرف به مرکز رقابت، بین متقاضیان کار و اشتغال تبدیل گردیده و از سوی دیگر این کمیسیون خود به شکل یک معما در آمده است و می توان در شفافیت آن شک کرد؛ زیرا کسی در پست های مورد نظر برای خود جای پیدا می نماید که در گذشته از جانب وزیر مربوط نظر تأییدی داشته باشد، در غیر آن لیاقت، استعداد، مهارت و چیزهای دیگر، در گرداب بی اعتمادی گیر خواهد ماند. در پیرامون این کمیسیون سخنان زیادی گفته شده و وعده های کلانی داده شده بود.

سؤال اساسی، این گونه مطرح می گردد: کسانی که در دستگاه دولت کار می کنند، چه امتیازاتی باید داشته باشند؟ و در روند استخدام، کدام معیارها در نظر گرفته شود؟ این مسائل چیزی است که همه بدان توافق ندارند، برخی ها به دنبال تعهد می روند و دیگران به دنبال تخصص و مدیریت. اما اصل مسلم در پهلوی تعهد، همانا تخصص و مهارت است که نمی توان از آن انکار نمود، در پهلوی این همه مزایا، کارمندان دولت باید بر اساس

آمادگی های ذهنی به کار گماشته شوند؛ تا استعداد و توانمندی های آنان به نمایش گذاشته شود و متناسب به نیازهای شان امتیاز دریافت کنند.

در مکتب غلام بچه ها که در حاکمیت امیر حبیب الله و اخلاف آن وجود داشته است، پسران خوانین و اشراف اقوام افغانستان تعلیم می دیدند وبعد از اکمال دورهٔ معین در دستگاه مختلف دولت، به کار گماشته می شدند و مجری پالیسی دولت محسوب ٠گردیدند و اصطلاح نوکر و نوکر باب به فارغان آن گفته می شد، یعنی فرمان و دستور دولت را چون سرباز عملی می نمودند. کمتر دیده شده است که این اشخاص پاس نمک را نداشته باشند. بسیاری از جواسیس بدنام از این مکتب سرکشیده اند وبسیاری از راز نهضت ها را افشا کرده اند و به یک اشارهٔ امیر تعدادی سر به نیست گردیده اند. طوری که دیده می شود این اصطلاح تا همین روزهای اخیر در محاورهٔ مردمان کابل به کار می رود و گفته می شود فلانی به نوکری رفته است، یعنی التزام دارد، تا کاری را انجام دهد.

اما حالا چه معیارهایی در تعیین بست های بلند دولتی در نظر است، گفته می شود که فهم و درک از کمپیوتر، اینترنت، دانستن زبان انگلیسی، آگاهی از دو زبان دری و پشتو، تحصیلات عالی، تجربهٔ کار وغیره. اگر درست و شریفانه قضاوت کنیم، آیا تمامی اعضای محترم کابینه، این شروط را در خود دارند؟

از چه زمانی آموزش کمپیوتر و اینترنت در برنامهٔ تعلیمی مکاتب و دانشگاه ها رایج گردیده است، که مردم افغانستان از آن خبر ندارند؟ تا شاگردان و محصلان بشتابند و آن را فراگیرند، چیزی که در حد یک اوتوپیا فعلاً در افغانستان مطرح است. نمی توان انکار کرد، که دنیای امروز به وسیلهٔ اینترنت و کمپیوتر در هر

تفاوت بین رتبه های دولتی چندان محسوس نیست، تقاعد در افغانستان در حقیقت مرگ تدریجی یک کارمند باز نشستهٔ دولت است

خانواده قابل دید و انتقال است. و این وسایل می تواند تکنولوژی معاصر را به سادگی در کشور انتقال دهد. باید تکنولوژی معلوماتی را فرا گرفت و با دنیا مسابقه کرد.

تا زمانی که طرز خرام دنیا و تکنولوژی پیشرفتهٔ غرب را نیاموخته باشیم، به یقین درک ما از این تکنولوژی ناقص خواهد بود، پس چه باید کرد؟ آیا می توان یک شبه ره صد ساله را پیمود؟ برای رسیدن به این مأمول در کشور باید ظرفیت سازی صورت گیرد، در برابر نسل آینده باید دلسوز بود، به وضع شاگرد و

تا زمانی که طرز خرام دنیا و تکنولوژی پیشرفتهٔ غرب را نیاموخته باشیم، به یقین درک ما از این تکنولوژی ناقص خواهد بود

معلم و استاد توجه کرد؟ آنها را تربیه نمود، تبادل تجارب را بین افغانستان و سایر کشورها مهیا ساخت و نسل نوین و جدید را باید متحول ساخت، این چیزی است که دولت بدان با بی مهری برخورد می نماید و دولت فقط در حد تشریفات معمول کارهایی انجام می دهد وبس.

امروز انگلیسی و کمپیوتر را کسانی بهتر درک می نمایند که از کشورهای دور و نزدیک وارد افغانستان می شوند، گفته شده است که در این مهربانی دولت باید کسانی به کار پر در آمد گماشته شوند، یک نا مهربانی موجود است، دولت می خواهد زمینه را برای تازه واردان از کشورهای دور و نزدیک در ادارات دولتی فراهم سازد و کسانی که در داخل کشور صدها رنج و بی عدالتی را مشاهده کرده اند، کنار زده شوند، دولت در این برنامهٔ خویش فقط می خواهد عقدهٔ حقارت را بین جوانان داخل کشور و تازه واردان ازدیاد بخشد و این قولی است که جملگی بر آنند.

تفاوت معاش و امتیاز مشکل دیگری است که عده یی را رنج می دهد، حتی حقوق و امتیازات کارمندان دولتی سیمای کاریکاتوری را به خود گرفته است، امروز در سیستم موجود دولت نورم معاش به شکل علمی وجود ندارد، امتیازات علمی یک دکتر ۲۵ افغانی و از یک لیسانس ۱۵ افغانی است، که کدام تناسب منطقی در آن دیده نمی شود. نان چاشت کارمند دولت که به نام مأکول پرداخته می شود، بالاتر از نورم معاش یک کارمند دولت است.

تفاوت بین رتبه های دولتی چندان محسوس نیست، تقاعد در افغانستان در حقیقت مرگ تدریجی یک کارمند باز نشستهٔ دولت است. بد ترین روزهای یک کارمند دولت، ایام بازنشستگی اوست، مردم منتظرند که کمیسیون محترم اصلاحات اداری بتواند، حد اقل زندگی شرافتمندانه را برای کارمندان دولت فراهم سازد، و بین رتبه های مختلف امتیازات مختلف

در نظر گرفته شود. طوری که امتیاز مقطع تحصیل و مهارت های افراد مطمح نظر بوده باشد و در مجموع کارمند دولت بتواند بدون دغدغهٔ اقتصادی زندگی کند و یک نظام ارزشی در فرجام در کشور ایجاد گردد. هر دولت در ظهور و تداوم حیات خویش به یک سلسله شعارها ضرورت دارد که باید به تحقق آن پرداخته شود، مهم ترین این شعار ها رفع رنج های مردمان این سرزمین است در غیر آن بحران اعتماد بین مردم و دولت بیشتر گردیده و شگاف عظیمی را میان این دو طرف به وجود خواهد آورد.

امروز لایه های بزرگ جامعه، به شمول کارمندان دولت، معلمان وسایر کارمندان عرصه های مختلف کار و تولید به حالت انتظار به سر می برند، تا کمیسیون اصلاحات اداری چه گلی را بر فرق آنها خواهد گذاشت. مردم از دولت عقل سلیم و انصاف می خواهند و امیدها چنین است که در امتیازات باید یک تناسب منطقی وجود داشته باشد. تفاوت میان کارمندی که چهل سال در دستگاه دولت کار نموده، با کارمندی که تازه به کار آغاز نموده است، تقریباً وجود ندارد و کارمندان دولت از توزیع کوپون و مواد اولیهٔ ارتزاقی که به شیوهٔ کلاسیک در کشور وجود داشت محروم ساخته شده اند، که این کار خلأ عظیمی را در اقتصاد خانواده های کارمندان دولت به وجود آورده است. این همه موانع و چالش هایی است که دولت در برابر آنها قرار دارد، دیده شود که دولت موفق خواهد بود و یا فقر مزمن و ادامهٔ دغدغه های اقتصادی.

انتخابات ایران، تجدید ...

هرچند او شهردار انتخابی مردم نبود بلکه از طرف شورای شهر تهران به این سمت منصوب گردید ولی او از فرصت برای جلب افکار عمومی به نفع خویش به خوبی بهره برد.

اصولاً در بسیاری از کشورها، شهرداران شانس جلب حمایت مردم را در صورت خدمت به مردم بیشتر دارا می باشند. اردوغان صدر اعظم استانبول نیز محبوبیت خود را مدیون مقامی دانست که به عنوان شهردار ترکیه داشت. و جای تأسف است که در کشور ما این معادله برعکس است.

چرا پیش بینی ها به حقیقت نپیوست؟

از مدت ها قبل، پیش بینی ها در مورد انتخابات ایران بر این محور می چرخید که مردم تمایل کمی برای شرکت در انتخابات از خود نشان خواهند داد و در نهایت محافظه کاران آخرین سنگرها را نیز به نفع اصلاح طلبان از دست خواهند داد. قبل از آغاز انتخابات انفجارهایی نیز در بعضی از شهرهای ایران به وقوع پیوست اما روز انتخابات مردم با حضور گستردهٔ خویش در حوزه های انتخاباتی، بخشی از این پیش بینی های رسانه های خبری را زیر سؤال بردند. در اینجا بود که توجه به نکتهٔ دیگری معطوف شد و آن این که مردم با شرکت خویش می خواهند به اصلاح طلبی رأی دهند.

رسانه های خبری در غرب که ماه ها علیه محافظه کاران در ایران تبلیغ نموده بودند، در منتهای نا امیدی به امید ضعیفی چسپیدند. رفسنجانی اصلاح طلب در صدر جدول قرار داشت و انتخابات به دور دوم کشیده شده بود.

مبصران غربی به این حقیقت توجه داشتند که ایران ملتی جوان است ونسل جوان که حق دادن رأی به دست آورده اند در سال ۱۳۵۷ که انقلاب اسلامی در ایران به پیروزی رسید یا کودک بودند و یا اصلاً به دنیا نیامده بودند. برای آنها انقلاب سال ۵۷ حکایتی بیش نیست. این نسل خواستار آزادی به شیوهٔ غربند اما انتخابات اخیر نشان داد که نسل جوان ایران به شعارها و ارزش های انقلاب این کشور وفا دارند.

دلیل دیگری که موجب شد تا انتخابات ریاست جمهوری ایران به چنین نتیجه یی غیر قابل پیش بینی منجر گردد، فشارهای امریکا برای متوقف ساختن برنامهٔ غنی سازی یورانیم بر ایران است، این فشارها موجب گردید تا ایرانیان تصور کنند که امریکا غرور ملی آنان را جریحه دار می سازد. تکنولوژ یی که می تواند فقط برای به دست آوردن انرژی ارزان کار آمد باشد وقتی با مخالفت امریکا و اسرائیل مواجه شد به سرعت مبدل به یک افتخار ملی شد که باید از آن به دفاع برخاست. اصلاح طلبان که در دوران ریاست جمهوری خاتمی، متهم به نرمش و تسلیم طلبی در برابر فشارهای امریکا بودند بخشی از رأی مردم را به همین دلیل از دست دادند به باور برخی از تحلیلگران، مردم به دوام غنی سازی یورانیم رأی دادند!

دلیل دیگر این نتیجه را برخی از تحلیلگران حضور نیروهای امریکایی در قلمرو همسایه های ایران یعنی افغانستان و عراق می دانند. هرچند امریکا احتمال حملهٔ نظامی بر ایران را رد کرده است ولی نفس همین حضور نظامی در همسایگی ایران موجب گردید تا ایرانیان با انتخاب احمدی نژاد به پیام غیر دوستانهٔ امریکایی ها جواب مشابه بدهند.

تأثیر این تغییر بر افغانستان

در جمهوری اسلامی ایران قدرت رئیس جمهور توسط چندین مرجع دیگر محدود می شود. در مسائل مهم بین المللی نظر شخص رهبر انقلاب مهم و تعیین کننده است و رئیس جمهور در این رابطه تنها شخص تصمیم گیرنده نیست.

بنا بر این می توان پیش بینی کرد که سیاست ایران در قبال مسائل مربوط به افغانستان به روال فعلی و کنونی آن ادامه خواهد یافت اما در بعد فرهنگی نو محافظه کاری در ایران تاثیرات عمیق خویش را به خصوص بر نسل جوان و تحصیل کردهٔ افغانستان خواهد داشت. آنانی که درمیان فرهنگ بی بند وباری و تحجر راه میانه را می پسندند توجه بیشتر به این تحول خواهند داشت.

هفته نامهٔ

مجاهد

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

- مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
- مطالب آمده مسترد نمی گردد .
- آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قران قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم سال چهارم شمارهٔ ۱۴ چهارشنبه ۸ سرطان ۱۳۸۴ ۲۲ جمادی الاول ۱۴۲۶ — 29 June 2005

"خبرنگار" وارد عرصهٔ مطبوعات شد

خبرنگار
خبری تحلیلی رهنمودی

نشریه یی به نام"خبرنگار" در خانوادهٔ مطبوعات کشور تولد یافت.

شمارهٔ نخست این نشریه در۱۶ صفحه با قطع و صحافت زیبا و دلکش به چاپ رسیده است بیش از ۱۲ صفحهٔ آن به مطالبی به زبانهای فارسی دری و پشتو اختصاص یافته است و در چهار صفحهٔ آن مطالبی به زبان انگلیسی آمده است به شیوهٔ معمول برخی از نشریه های امروزین کشور ما که حال و هوای جو حاکم را رعایت می نمایند در زیر عنوان "خبرنگار" نگاشته شده است "خبری، تحلیلی، رهنمودی" که راستا های کار آن را نشان می دهد و تا جایی که من آن را در یک نگاه شتابزده دیدم مقالات و مطالب آن با این عرصه ها بستگی دارد یعنی به کار ژورنالیسم و مطبوعات کشور ما در اوضاع کنونی و فراز وفرود های آن توجه کرده است.

چنان که از سرمقالهٔ خبرنگار فهمیده می شود آغاز نشر این نشریه با برگزاری "سیمینار سراسری ژورنالیستان و رسانه ها به پیشواز انتخابات پارلمانی" که دیروز نخستین روزش در هتل انترکانتیننتال سپری شد، در پیوند بوده است.

این نشریه به مدیریت یاری سلام و همکاری شفیقه حبیبی وزیر نظر وزارت اطلاعات و فرهنگ و توریزم منتشر می شود. خبرنگار شاید بهترین نشریه یی باشد از لحاظ شکل و محتوا و شیوهٔ نوشتاری که تا هنوز از وزارت اطلاعات و فرهنگ به نشر رسیده است مجاهد قدوم خبرنگار را میمون می خواند و برایش توفیق می خواهد.

انتخابات ایران
تجدید بیعت با انقلاب

وحید مژده



از تبصره های رسانه های خبری غربی چنین پیداست که غرب هنوز از بهت وحیرت زدگی ناشی از نتیجهٔ انتخابات ایران بیرون نیامده است. نتیجه یی که رسانه های خبری از ماه ها قبل نقطهٔ مقابل آن را انتظار می بردند.

نظر سنجی های تخمینی و تبصره های کارشناسانهٔ برخاسته از آن، از شکست حامیان ارزش های انقلاب که اصطلاحاً محافظه کار خوانده می شوند سخن ها داشت. بسیاری به این باور بودند که هیچ محافظه کاری در این انتخابات اقبال جلب حمایت اکثریت را نخواهد داشت.

در مرحلهٔ اول انتخابات که هیچ کدام از کاندیداها نصاب لازم را برای احراز کرسی ریاست جمهوری کسب نکردند، کاربه دور دوم کشید و نخستین طلیعهٔ یک تحول جدید به منصهٔ ظهور رسید. هاشمی رفسنجانی که در گذشته دوبار بر مسند ریاست جمهوری تکیه زده بود و از قدرتمندان صاحب نفوذ در ایران به شمار می رود، در مقام اول قرار گرفت. او در این انتخابات داعی اصلاح طلبی بود اما

آنچه که حیرت بر انگیخت و تعجب به بار آورد قرار گرفتن محمود احمدی نژادی شهردار سابق تهران در مقام دوم بود که باید در دور دوم به مصاف رفسنجانی می رفت. او با پیشی گرفتن بر چهره هایی چون دکتر معین و مهدی کروبی موجب تعجب ناظران گردید.

احمدی نژاد کیست؟

محمود احمدی نژاد در شمار جوانانی بود که در آغاز انقلاب به نهضت آیت الله خمینیؒ پیوست و شامل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شد. خاستگاه وی قشر مستضعف جامعه بود که حامی سر سخت انقلاب بوده اند. احمدی نژاد در جنگ ایران و عراق شرکت کرد و پس از جنگ به تحصیل روی آورد. او هرگز با نظریات محافظه کارانه وداع نکرد



اگر در امریکا جورج بش و هوادارانش را (نو محافظه کاران) می خوانند، احمدی نژاد را می توان یک (نو محافظه کار مسلمان) خواند.

احمدی نژاد به این باور است که باید ارزش های انقلاب اسلامی را حفظ کرد ولی در عین حال با تأکید بر میانه روی می خواهد بگوید که وفاداری به ارزش های انقلاب نباید بهانه یی برای حفظ قدرت کسانی باشد که از آزمون ملت موفق به در نشده اند. جامعهٔ جوان و پویا با حفظ ارزش ها باید به سوی بالندگی و پویندگی رهنمون گردد.

احمدی نژاد در مقام شهردار تهران فرصت بسیار مناسبی برای کار با مردم به دست آورد، ص۷

نام کاندیداهای ولسی جرگه و شوراهای ولایتی با قرعه کشی ترتیب می شود

صبح روز ۲ شنبه ۶ سرطان یک کنفرانس مطبوعاتی با اشتراک سخنگوی دفتر یوناما و سخنگوی سازمان ملل متحد، در دفتر تنظیم مشترک انتخابات در حضور ژورنالیستان برگزار شد.

در این کنفرانس ضمن توضیح مسائل قرعه کشی برای ترتیب نام های کاندیداهای ولسی جرگه و شوراهای ولایتی، سخنگوی یوناما آقای کرن راجع به موضع ملل متحد دربارهٔ مواد مخدر در افغانستان گفت: ملل متحد در زمینهٔ کاهش مواد مخدر در افغانستان تلاش فراوان دارد.

کرن در مورد مشکلات امنیتی مراکز رأی دهی گفت: ما در فکر تأمین امنیت در تمام افغانستان در زمان رأی دهی هستیم و می خواهیم از تمام امکانات در این زمینه استفاده کنیم. او در ادامه گفت: از تمام ۷۲۰ مرکز ثبت نام فقط ۲۵ مرکز را به دلیل امنیتی و دیگر مسائل به درستی نتوانستیم آغاز کنیم.

سخنگوی دفتر تنظیم مشترک انتخابات در مورد چاپ شدن بیش از چهل میلیون اوراق رأی دهی گفت: ما به این دلیل تعداد زیاد اوراق رأی دهی چاپ کردیم چون در مواقع ضروری و همچنین تخریب بعضی از اوراق بتوانیم از اوراق اضافه استفاده کنیم و این خیلی مشکل است تا به تعداد افراد رأی دهنده اوراق چاپ کنیم. او در زمینهٔ مشکلات در روز انتخابات گفت: ما تصمیم داریم در صورت بروز مشکلات جای رأی دهی را از یک محل به محل دیگر انتقال دهیم.

برای معلمان حق الزحمه پرداخته می شود

وزارت معارف به تاریخ اول سرطان امتیاز جدیدی را برای معلمان اعلام داشت. بر اساس فیصلهٔ حکومت برای معلمانی که بیشتر از مکلفیت وظیفه یی تدریس می نمایند حق الزحمه پرداخته می شود.

براساس لایحهٔ جدید، حق الزحمهٔ معلمان تعلیمات عالی و مسلکی در یک ساعت چهل و پنج افغانی و حق الزحمهٔ معلمان دورهٔ ثانوی روزانه وشبانه در یک ساعت چهل افغانی و برای معلمان دورهٔ ابتدایی در یک ساعت سی افغانی محاسبه می گردد.

به گفتهٔ یک منبع وزارت معارف این حق الزحمه برای معلمانی که بیشتر از ساعات مکلفیت تدریس می کنند و آنانی که به حیث معلم قرار دادی وظیفه اجرا می کنند پرداخته می شود. گفتنی است که آقای حامد کرزی سال گذشته به معلمان وعده سپرد که امتیازات منطقه یی برای آنان پرداخته شود اما این وعده عملی نگردید و امسال بازهم در روز معلم وعدهٔ اجرای این امتیاز از طرف مقامات دولت سپرده شد که تا هنوز عملی نگردیده است. معلمان کشوربه این تصمیم جدید وزارت معارف چون وعده های بدون عمل گذشته با بی باوری نگاه می کنند.

سازمان ملل ۶۰ ساله شد

کوفی عنان، دبیر کل سازمان ملل متحد از موفقیت های این سازمان طی شصت سال اخیر از جمله ماموریت های حفاظت از صلح، فعالیت های کمک رسانی در زمان بروز فجایع و اجرای برنامه های بهداشتی و آموزشی برای میلیون ها نفر، صحبت کرده است.

اما آقای کوفی عنان در بیانیه یی که به مناسبت شصتمین سال تأسیس سازمان ملل منتشر کرد، آورده است که این سازمان ناکامی هایی نیز داشته است که شاید بد ترین آنها، نا توانی در جلوگیری از وقوع نسل کشی های روندا بوده است.